

## مشکلات خاورمیانه‌ای آمریکا و برقراری ارتباط غیررسمی با ج.ا. ایران در سال های ۶۵-۱۳۶۳

رضا رئیس طوسی\*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سید مهدی مدنی

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۵ - تاریخ تصویب: ۸۸/۱۱/۲۷)

چکیده:

بررسی روابط ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران در سال های ۶۵-۱۳۶۳ از موضوعاتی است که از اهمیت مضاعف برخوردار است. در این مقطع زمانی، علی‌رغم اعمال تحریم های سیاسی و اقتصادی ایالات متحده علیه ایران، این کشور تلاشی غیررسمی برای برقراری ارتباط با ایران را در نظر می گیرد. دلیل این اقدام ایالات متحده در این نوشتار بررسی می شود.

واژگان کلیدی:

ایران، آمریکا، روابط خارجی، خاورمیانه، ارتباط غیررسمی

### طرح مسئله

روابط ایران و ایالات متحده بعد از انقلاب ۱۳۵۷ روابطی مبتنی بر تنش بوده است. اما در این میان سال‌های بین ۱۳۶۵-۱۳۶۳ را می‌توان تا حدی از این امر جدا دانست. با وقوع انقلاب در سال ۱۳۵۷ روابط ایران و آمریکا وارد مقطعی جدید شد. روابط حسنه و دوجانبه ایران و آمریکا به روابطی توأم با تنش تبدیل شد و ایران بعد از انقلاب دیگر ایفا کننده نقش «ژاندارم منطقه‌ای» نبود. همچنین اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان، حمله نظامی به ایران در جریان واقعه طبس و همچنین اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی به تیرگی روابط این دو کشور افزود.

اما در اواخر سال ۱۳۶۲ شاهد گرایش‌هایی به سمت ایران از جانب مسئولان آمریکایی هستیم. برخی از سیاستمداران آمریکایی درصدد برآمدند که سیاست خصمانه علیه ایران را تعدیل کرده و رویکرد متفاوتی را اتخاذ کنند. این امر را می‌توان از سخنان برژینسکی مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا دریافت:

«موقعیت استراتژیک ایران آنچنان برای غرب اهمیت دارد که آمریکا به هر ترتیبی که شده نباید ایران را از دست بدهد» (روزنامه اطلاعات: ۶۲/۱/۲۸).

از مصادیق این نزدیکی می‌توان سفر مک فارلین به تهران، فروش برخی تسلیحات و قطعات نظامی به ایران و همچنین مذاکرات محرمانه با ایرانی‌ها در آمریکا و آلمان اشاره کرد.

### سوال و فرضیه تحقیق

سوال این پژوهش آن است که علت تغییر سیاست خارجی آمریکا و در پیش گرفتن سیاست نزدیکی به ایران در نیمه دهه اول ۱۳۶۰ چه بوده است؟

فرضیه این تحقیق بر این امر استوار است که مشکلات پیش روی ایالات متحده آمریکا در خاور میانه سبب نزدیکی آمریکا به ایران طی سال‌های یاد شده، می‌باشد.

بدین منظور برای روشن شدن جوانب بحث، روابط ایران و آمریکا در دو مقطع زمانی قبل و بعد از انقلاب مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به شکل گیری روابط غیر رسمی ایران و آمریکا در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵ می‌پردازیم.

### روابط ایران و آمریکا قبل از انقلاب

حضور جدی ایالات متحده در ایران به تحولات ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق بر می‌گردد. اگر چه آمریکا در بدو امر به حمایت از این نهضت پرداخت، اما نهایتاً با

حمایت از انگلیس و رقم زدن کودتای ۲۸ مرداد، دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون کرد،<sup>۱</sup> و به بازیگر اصلی در عرصه سیاست خارجی و داخلی ایران تبدیل شد.

در یک دسته‌بندی موضوعی روابط ایران و آمریکا در دوران قبل از انقلاب را می‌توان در مولفه‌های امنیتی، مالی، منطقه‌ای و تسلیحاتی ارزیابی کرد. در بعد امنیتی و در عرصه داخل کشور، ایجاد ساواک مهم‌ترین اقدام آمریکا بود و در عرصه خارجی می‌توان به ایجاد مراکز استراق سمع برای زیر نظر گرفتن فعالیت‌های شوروی، آموزش جاسوسان و آموزش‌های ضدجاسوسی اشاره کرد (گازیروفسکی، ۱۳۷۹: ۱۱۶-۱۱۴). در عرصه همکاری‌های منطقه‌ای نیز می‌توان به عضویت ایران در پیمان‌های بغداد و بعد سنتو، حمایت از اسرائیل و مقابله با جنبش‌های رادیکال جهان عرب اشاره کرد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۲۷۱-۲۷۰).

در بعد مالی و تسهیلاتی یک ماه پس از کودتای ۱۳۳۲ در حالی که آمریکا کمک‌های مالی به ایران را منوط به حل مشکلات ایران با بریتانیا کرده بود، اعلام کرد که کمک ۴۵ میلیون دلاری را بی‌هیچ قید و شرطی به ایران اعطا می‌کند (اطلاعات: ۱۳۳۲/۶/۱۸). همچنین در ۱۲ شهریور ۱۳۳۲ دولت آمریکا موافقت خود با پرداخت مبلغ ۴/۲۳ میلیون دلار بابت کمک‌های فنی سالانه اصل چهار ترومن و نیز مبلغ ۴۵ میلیون دلار وام بلاعوض به ایران را اعلام کرد (مهدوی، ۱۳۸۰: ۲۲۲). گزارش سالیانه وزارت دفاع آمریکا در اول خرداد ۱۳۵۲ کمک‌های مالی خود به ایران را این گونه بیان کرد:

۱- مبلغ ۸۸۳,۱۲۲,۰۰۰ دلار کمک نظامی بلاعوض، ۲- ارسال وسایل دفاعی به مبلغ ۲۰,۲۷۱,۰۰۰ دلار، ۳- فروش اسلحه به مبلغ ۷۹۳,۵۷۳,۰۰۰ دلار، ۴- انجام دوره‌های آموزشی برای ۱۰,۸۰۷ کارمندان نظامی و ارتش ایران (اطلاعات: ۱۳۵۲/۳/۱).

در بخش مناسبات تسلیحاتی و نظامی می‌توان به فروش تسلیحات مدرن به ایران و همچنین اعطای نقش ژاندارمی به ایران در خلیج فارس اشاره کرد. در دوران ریاست جمهوری نیکسون روابط خارجی دو کشور به اوج رسید و ایران در دهه ۱۹۷۰، در چارچوب دکترین نیکسون در منطقه خلیج فارس به ایفای نقش پرداخت. (مهدوی، همان: ۴۰۱). محمدرضا شاه در سال ۱۹۷۵ طی مصاحبه‌ای با رادیو و تلویزیون فرانسه در پاسخ به سئوالی که آیا شما خود را پاسدار منطقه می‌دانید؟ گفت:

البته که ما نقش بخصوصی داریم. ما می‌خواهیم که این منطقه را دور از خطرات در آرامش و ثبات نگه داریم. ما می‌خواهیم کشتیرانی در خلیج فارس و تنگه هرمز آزاد و مطمئن باشد (اطلاعات: ۱۳۵۴/۷/۳۰).

<sup>۱</sup> - برای مطالعه بیشتر در زمینه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۱ ن.ک.

روند نزدیکی و وابستگی دو کشور به گونه ای بود که به تعبیر جان فوران ایران در جریان سیستم جهانی اقتصاد بیش از هر کشوری با آمریکا در ارتباط بود که این ارتباط شامل بخش‌های متعدد تجارت، نظامی، بانکی و اقتصادی، مقابله با تحرکات شوروی و کمک‌های اطلاعاتی می‌شد (فوران، ۱۳۸۳: ۵۰۸).

با به قدرت رسیدن جیمی کارتر هر چند انتقاداتی در مورد نقض حقوق بشر به ایران مطرح شد و کارتر، شاه را مجبور به انجام اقداماتی در زمینه آزاد سازی فضای سیاسی کرد، اما روابط ایران و آمریکا همچنان در چارچوب یک نگاه سیاسی - امنیتی مسیر خود را طی کرد تا جایی که پرزیدنت کارتر از اقدام شاه در کشتار میدان ژاله در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ حمایت قاطعی کرد (ازغندی، همان: ۳۶۲). سرانجام علی‌رغم تلاش‌های آمریکا برای جلوگیری از سقوط رژیم پهلوی، نظام پهلوی در ۲۲ بهمن سقوط کرد و روابط ایران با ایالات متحده وارد فصلی نوین شد.

### روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب

با وقوع انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ روابط ایران و ایالات متحده وارد فصلی جدید شد. هر چند در اوایل انقلاب، دولت آمریکا اعلام کرد که خواهان حفظ روابط دیپلماتیک توأم با «احترام متقابل» با رژیم ایران است، اما شرایط به سمتی رفت که تعاملات دو جانبه کم کم به سردی گرایید و دورانی شکل گرفت که می‌توان از آن به عنوان «خصومت متقابل» نام برد.

### ۱۳۶۳-۱۳۵۷: دوره خصومت متقابل

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران رفتار خصمانه در روابط ایران و آمریکا آغاز گردید. در این میان برخی از سیاستمداران نیز به تئوریزه کردن و نهادینه ساختن این تقابل اندیشیده یا بر این اساس عمل می‌کردند. تقابل دو جانبه ایران و آمریکا سبب گردید تا فضای انقلابی حاکم بر نهادهای تصمیم ساز به عرصه سیاست خارجی تسری یافته و دیپلماسی ایران به سمت رادیکالیزم برود. عدم پذیرش «والتر کاتلر» سفیر پیشنهادی آمریکا به تهران، اخراج روزنامه نگاران «لوس آنجلس تایمز» و «نیویورک تایمز»، صدور مجوز ورود شاه به آمریکا در روز اول آبان ۱۳۵۸ فضای موجود میان دو کشور را تیره گرداند. این اقدام به تصرف سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان «پیرو خط امام» انجامید. در پی این اقدام، آمریکا نیز به اقدامات متقابل مبادرت ورزید که می‌توان به قطع خرید نفت از ایران، توقیف طلاهای ایران و جوجه نقد در بانک‌های آمریکا و محکومیت ایران در دادگاه لاهه اشاره کرد.

در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ روابط ایران و آمریکا از سوی کارتر قطع شد و در ۲۰ فروردین دولت کارتر رسماً ممنوعیت صدور ویزا برای ایرانیان را صادر کرد. در ۲۱ شهریور همان سال امام خمینی شرایط ۴ گانه برای آزادی گروگان‌های آمریکایی را این گونه بیان کرد: ۱- بازگرداندن دارایی‌های شاه، ۲- تعهد به عدم مداخله آمریکا در امور ایران، ۳- آزادی دارایی‌های ایران در آمریکا، ۴- لغو ادعاهای آمریکا علیه ایران (طیرانی، ۷۹، ص ۲۹۸). سرانجام در پی مذاکرات ایران با آمریکا با میانجی‌گری الجزایر و صدور بیانیه الجزایر، بحران گروگان‌گیری خاتمه یافت و گروگان‌ها پس از ۴۴۴ روز راهی کشور خود شدند.

باید گفت پایان بحران گروگان‌گیری، خاتمه‌ای بر مخاصمات ایران آمریکا نبود. چرا که با شروع جنگ تحمیلی، مسئولین نظام، علی‌رغم آنکه آمریکا خود را در شروع جنگ بی‌طرف خوانده بود، آمریکا را به تحریک عراق برای حمله به ایران و از پا در آوردن نظام نوپای اسلامی متهم کردند.<sup>۱</sup> رهبر انقلاب ضمن آنکه اسرائیل و آمریکا را دشمن مشترک ایران و دولت‌های اسلامی خواند، طی سخنانی خواستار بکارگیری سلاح نفت علیه آمریکا و اسرائیل شد (اطلاعات: ۱۳۵۹/۳/۱۶). ریگان نیز در ۱۸ آبان ۱۳۵۹ محدودیت‌های اقتصادی و دیپلماتیک علیه ایران را یک سال دیگر تمدید کرد. همچنین وزارت خارجه آمریکا طی یک عملیات موسوم به «استانچ» از همپیمانان خود شامل آلمان غربی، بریتانیا، ایتالیا، کره جنوبی و اسرائیل خواست ارسال تجهیزات نظامی مورد نظر ایران را متوقف سازند (Timmerman، منابع اینترنتی). در همین زمینه الکساندر هیگ وزیر خارجه وقت آمریکا طی سخنانی اعلام کرد: دولت ریگان برای مقابله با ایران باید به تدابیری متوسل شود که جنبه‌های تهاجمی داشته باشد (اطلاعات: ۱۳۶۲/۲/۱۸).

با شروع سال ۱۳۶۳ علی‌رغم تداوم جنگ لفظی و تهدیدات متقابل، تلاش برای آغاز یک رابطه غیررسمی در بخشی از سیستم تصمیم‌گیری ایالات متحده دیده شد. این امر که از سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ شروع شده بود در سال ۱۳۶۳ کم‌کم به صورت رسمی در شورای امنیت ملی ایالات متحده تحت عنوان «بسوی رهنمونی در قبال ایران» پی‌گیری شد. در اینجا تلاش می‌شود تا بر اساس اسناد منتشر شده رابطه غیررسمی آغاز شده را شرح دهیم.

### تلاش برای برقراری رابطه: ۶۵-۱۳۶۳

در اول بهمن سال ۱۳۵۹ در نخستین جلسه شورای امنیت ملی آمریکا که در زمان رونالد ریگان برگزار گردید مسئله ایران و لیبی جزء محورهای اصلی مباحث این نشست بود (طیرانی، ۱۳۷۹: ۳۰۲). باید گفت که برخی از مسئولین شورای امنیت ملی آمریکا تلاش داشتند تا با گروه‌های میانه‌رو در

<sup>۱</sup> - برای مثال علی اکبر هاشمی رفسنجانی طی سخنانی آمریکا را «آتش افروز جنگ فعلی» خواند. (اطلاعات، ۲۲ مهر ۱۳۵۹).

ایران ارتباط برقرار کنند.<sup>۱</sup> در دی ۱۳۶۲ «جفری کمپ» (Jeffrey Kemp) مسئول شرق نزدیک در شورای امنیت ملی آمریکا، با تهیه گزارشی برای رابرت مک فارلین مشاور امنیت ملی وقت آمریکا اظهار داشت:

[آیت...]: خمینی تهدیدی برای منافع غرب است و ایالات متحده حتی باید عملیات مخفی را که به سقوط ایران بیانجامد، مد نظر قرار دهد (Tower and other: 1987: 104).

از آنجا که اعضای شورای امنیت ملی معتقد بودند که آمریکا فاقد استراتژی لازم با یک دورنمای کلی در خصوص ایران پس از فوت امام خمینی (ره) است، مک فارلین در ۱۷ شهریور ۱۳۶۳ خواستار یک بررسی درون سازمانی درباره روابط ایران و آمریکا پس از فوت [آیت...]: خمینی شد (رئیس طوسی، ایران فردا: ۳۶).

در این میان گروگان گیری در لبنان توسط گروه‌های مقاومت، زمینه مناسب را برای آغاز رابطه پنهانی بین ایران و آمریکا فراهم ساخت. چرا که آمریکا معتقد بود که عوامل این گروگان گیری با ایران در ارتباط هستند. لذا آنچه که در اسناد مشهور به «کانال اول ارتباط» است، شکل گرفت. این کانال که توسط یک دلال اسلحه به نام «منوچهر قربانی فر» شکل گرفت ارتباط با ایران را در برنامه خود قرار داد.

در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۴ تحلیل تهیه شده توسط «گراهام فولر» مدیر کل برنامه ریزی سازمان سیا در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا و «هوارد تیچر» (Howard Teacher) عضو شورای امنیت ملی آمریکا، تحت عنوان «به سوی رهنمونی در قبال ایران» به ویلیام کیسی رئیس سیا داده شد.

در این تحلیل، ضمن تشریح موقعیت بد آمریکا در قبال حوادث ایران، پیشنهاد تدوین برنامه ای جهت برخورد با مسائل ایران داده شده بود. همچنین تحت فشار قرار دادن ایران و متحدان آن و کمک به عراق از یک سو و تشویق کشورهای هم پیمان آمریکا در خصوص کمک به ایران، خارج کردن ناوگان آمریکا از خلیج فارس، و صدور بیانه هایی در خصوص اعلام حسن نیت آمریکا در قبال ایران از سوی دیگر ارائه شده بود (رئیس طوسی، پیشین: ۳۷).

در ۱۰ تیر ۱۳۶۴ ماجرای هواپیماربایی TWA که در ۲۴ خرداد ۱۳۶۴ در مسیر آتن-رم توسط گروه «جهاد اسلامی» ربوده شد بود، پایان یافت (مرکز تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳: ۲۹۸).<sup>۱</sup> بلافاصله

<sup>۱</sup> - البته لازم به ذکر است که در داخل ایران نیز گروه های عملگرا تا حدی از برقراری ارتباط مجدد با آمریکا استقبال می کردند. برای مثال هاشمی رفسنجانی در ۱۳ اردیبهشت ۶۲ طی سخنانی گفت: ما به آمریکا سوء ظن داریم. اما اگر اثبات کند که واقعاً دیگر خواهان شرارت و شیطننت نیست، ما می توانیم با آمریکا رابطه داشته باشیم.

پس از حل موفقیت آمیز بحران ایجاد شده بر سر ربه‌شدن هواپیمای TWA، ویلیام کیسی رئیس سیا مطلع شد که پیشنهادی برای دریافت اسلحه از آمریکا مطرح شده است. این پیشنهاد در خصوص تشکیل یک جلسه با حضور مقامات ایرانی و آمریکایی جهت گفتگو درباره مبادله گروگان‌های آمریکایی با اسلحه بود. این ارتباط از طریق قربانی فر و یکی از معاونین نخست وزیر وقت ایران صورت گرفته بود. «دیوید کیمچه» از مدیران کل وزارت خارجه اسرائیل در ۱۳۶۴/۴/۱۲ با رابرت مک فارلین در کاخ سفید دیدار کرد. کیمچه مک فارلین را از پیشنهاد قربانی فر مبنی بر علاقه ایران بر مبادله گروگان‌ها از دست حزب ا... لبنان با اسلحه و قطعات مورد نیاز ایران مطلع ساخت (Tower and other, 1987: 106). به گفته منابع غربی سیا با قربانی فر از سال ۱۹۸۰ در ارتباط بوده است.<sup>۲</sup>

در پی دو دیدار بعدی کیمچه با مک فارلین در ۱۳۶۴/۵/۱۵، ریگان با ارسال تسلیحات مورد نیاز ایران در قبال آزادی گروگان‌ها موافقت کرد (مرکز تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳: ۶۲۹). بواقع مجموع این اقدامات نوعی حرکت بود که از آن می توان به مبادله گروگان‌ها با قطعات یدکی مورد نیاز ایران نام برد، در پی همین اقدامات «بنیامین ویر» که از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۴ در اسارت گروگان‌گیرها بود آزاد شد (مرکز تحقیقات جنگ، ج ۴۳: ۲۰۰).

لازم به ذکر است که به علت عدم موفقیت کامل مک فارلین در آزاد سازی تمام گروگان‌ها، وی از مقام خود استعفا داد و «جان پویندکستر» به جای وی کار را دنبال کرد. در ادامه سرهنگ اولیور نورث<sup>۳</sup> که از اعضای تیم جدید پویندکستر بود، گزارشی در خصوص فروش ابتکاری سلاح برای پویندکستر در ۱۴ آذر ۱۳۶۴ تهیه کرد. این طرح به طور خلاصه عبارت بود از واگذاری ۳۳۰۰ موشک تاو و ۵ موشک هاوک در مقابل آزادی همه گروگان‌های آمریکایی و یک گروگان فرانسوی. طبق این طرح، موشک‌های مزبور ۵ مرحله پس از آزادی مرحله‌ای گروگان‌ها طی ۲۴ ساعت به ایران تحویل می شد (Tower and other, 1987: 165).

اما عالی‌ترین نشست مقامات ایرانی با مقامات آمریکایی بعد از ۷ سال در ۱۶ بهمن ۱۳۶۴ با حضور هیات ایرانی و مقامات آمریکایی شامل نورث، ریچارد سکورد و یک مقام سیا در

<sup>۱</sup> - بنابر برخی اظهارنظرها، مقامات ایرانی بطور محرمانه در آزاد سازی این هواپیما اقدام کرده بودند به شرط آنکه این موضوع از سوی مقامات آمریکایی افشا نگردد. از نظر واشنگتن این تلاش‌ها نشانگر علاقه حکومت ایران به ایجاد رابطه با جهان خارج از خود تلقی می‌گردید (طیرانی، همان، ص ۳۱۵).

<sup>۲</sup> - منوچهر قربانی فر از اعضای شبکه اداره ۸ ساواک، دوست قدیمی منوچهر هاشمی، روابط نزدیکی با یکی از بستگان ایت ا... منتظری داشته و با وجود عدم اعتماد شدید به وی در سیا وی مدتها در سیا کار می کرد (به نقل از ابراهیم متقی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۶).

<sup>۳</sup> - سرهنگ الیور نورث کارشناس ضد تروریسم در شورای امنیت ملی آمریکا، طراح اصلی فراری دادن عوامل آمریکایی در ایران در سال ۱۹۸۰ بود. وی از جمله افسرانی بود که در رده ۴ یا ۵ قرار داشت و تمایل داشت موقعیت خود را بهبود بخشد (به نقل از ابراهیم متقی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۰).

فرانکفورت آلمان برگزار شد. علاوه بر این افراد، قربانی فر به عنوان میانجی و آمیرام نیر معاون نظامی شیمون پرز نخست وزیر اسرائیل نیز حضور داشتند. آمریکای ها در این جلسه ادعا کردند که قصد فریب ایران را ندارند. الیور نورث گفت:

۱۸ موشک هاوک که از رده خارج شده بود، اشتباهی به ایران تحویل داده شده بود و ما آنها را باز می‌گردانیم و بجای آن ۱۰۰۰ موشک تاو به شما تحویل خواهیم داد». نورث فضای جلسه را "بسیار صمیمی" توصیف کرد و حتی در پایان اعضای دو هیات همدیگر را بوسیدند. بدنبال این جلسه نخستین محموله از ۵۰۰ موشک تاو از پایگاه هوایی «کلی» در آمریکا بارگیری شده و این هواپیما در بازگشت موشک های از رده خارج شده هاوک را باز گرداند (Op.cit).

در پی این دیدار جان پویند کستر به نورث اطلاع داد که قربانی فر را از اعزام هیات آمریکایی به تهران به سرپرستی مک فارلین در ۴ خرداد آگاه سازد. بدنبال این امر نورث، آمیرام نیر و جرج کیو در لندن با قربانی فر دیدار کردند و در باره برنامه سفر هیات آمریکایی به تهران گفتگو کردند. در خلال جلسه جرج کیو با یکی از مقامات دفتر نخست‌وزیری ایران در تهران تماس گرفت و گفتگو کرد. سپس کیو به اعضای جلسه گفت: هیات آمریکایی در تهران با رئیس جمهور، نخست وزیر و شاید رئیس مجلس دیدار خواهند کرد (طیرانی، همان: ۳۲۲).

به این ترتیب، هیات آمریکایی به سرپرستی رابرت مک فارلین در ۴ خرداد ۱۳۶۵ وارد تهران شدند. به همراه این هیات یک محموله از قطعات یدکی موشک های هاوک نیز به تهران حمل شد. اعضای گروه هیات همراه مک فارلین عبارت بودند از الیور نورث، جرج کیو، هوارد تیچر کارشناس شورای امنیت ملی و آمیرام نیرویک مسئول مخابرات سیا (Tower and other, 1987: 296).

لازم به ذکر است که استقبال از هیات آمریکایی بسیار سرد بود و این هیات پس از چند ساعت انتظار در فرودگاه به هتل استقلال منتقل شدند. این هیات شش تپانچه بلک هاوک ۳۵۷ مگنوم در جعبه کادویی و یک محموله قطعات یدکی مورد نیاز ایران برای موشک های هاوک را به همراه داشتند. مک فارلین به عنوان رئیس هیات مذاکره کننده که انتظار دیدار با مقامات رسمی و سطوح بالای رژیم ایران را داشت، تنها توانست با معاونین نخست وزیر و مشاور نخست وزیر ایران ملاقات کند. این مذاکرات که در هتل استقلال در ۴ خرداد ساعت ۵/۱۵ و ۵ خرداد ساعت ۳/۳۰ دقیقه بعد از ظهر و ۹/۳۰ شب برگزار شد، نتیجه چندانی بدنبال نداشت (درویدیان، ۱۳۷۶: ۱۶۴).

اما نارضایتی بر آمده از فروش گران قیمت موشک هاوک به ایران که پس از دسترسی ایرانیان به میکرو فیش های مربوط به قیمت خرید کارخانه بدست آمد و همچنین ادامه

گروگان‌گیری در لبنان توسط کانال اول ارتباطی، زمینه را برای دیدارهای مستقیم ایران و آمریکا که در اسناد به نام «خویشاوند» در یاد می‌شود، مهیا ساخت. همچنین نگرانی از حضور قربانی‌فر از دیگر مواردی بود که به ارتباط مستقیم کمک می‌کرد (مرکز تحقیقات جنگ: ۱۰۸). به گفته منابع آمریکایی دیدار اعضای کانال دوم (خویشاوند) از کاخ سفید شامل مذاکره درباره خریدهای تسلیحاتی، سرنوشت زندانیان حزب الدعوة کویت، آزادی گروگان‌ها و آینده صدام بود (پیشین: ۶۳۳).

در ۱۳۶۵/۷/۱۱ ایور نورث، جان پویندکستر را از تقاضای کانال دوم مبنی بر ملاقات با هیات آمریکایی در ۱۳۶۵/۷/۱۵ مطلع ساخت. وی از پیشنهاد «خویشاوند» که امضای یک انجیل توسط رئیس‌جمهور بود، سخن گفت که در ازای آن یک قرآن از طرف گروه ایرانی به هیات آمریکایی داده می‌شد. به گفته نورث، «خویشاوند» این عمل را در تقویت روابط بسیار موثر می‌دانست (مرکز تحقیقات جنگ: ۲۳۵). بنابراین، دو هیات ایرانی و آمریکایی در فرانکفورت آلمان با هم ملاقات کردند. نورث نقطه نظرات خود را که شامل ۷ نکته بود مطرح ساخت. در پایان جلسه دو طرف به یک توافق ۹ ماده‌ای دست یافتند (پیشین: ۵۷۱).

اما این اقدامات با افشای نشستهای محرمانه توسط هفته‌نامه الشراع لبنان وارد فصلی جدید شد. این هفته‌نامه منبع خود را «مهدی هاشمی» از نزدیکان آیت‌الله منتظری اعلام کرد (طیرانی، همان: ۳۲۷). لذا در دیدار کانال دوم ارتباطی با هیات آمریکایی در ماینس آلمان، هیات ایرانی اعلام کرد که کمیسیونی در ایران متشکل از گروه‌های مختلف ایجاد شده تا آینده ارتباط با آمریکا را بررسی کند (مرکز تحقیقات جنگ: ۵۸۴). بدنبال افشای این ماجرا هاشمی رفسنجانی در ۱۴ آبان اعلام کرد:

«۵ نفر با پاسپورت ایرلندی وارد ایران شدند و ادعا کردند از مقامات آمریکا برای مقامات نظام حاوی پیام‌های مهمی هستند. ما بدون آنکه دیداری با آنها داشته باشیم آنها را اخراج کردیم» (روزنامه اطلاعات: ۶۵/۸/۱۴).

این ماجرا با سخنان پویندکستر مشاور امنیت ملی آمریکا مبنی بر دیدار فرستادگان آمریکایی با مقامات ایرانی و سپس سخنان ریگان مبنی بر داشتن رابطه ۱۱ ماهه با ایران علنی شد (مرکز تحقیقات جنگ: ۶۶۳). وی طی حکمی جان تاور سناتور سابق، برنت اسکو کرافت و ادموند ماسکی را موظف به پی‌گیری و افشای زوایای این رابطه پنهانی کرد (طیرانی، همان: ۳۳۳). بنابراین، این هیات تمامی اتفاقات رخ داده را در یک گزارش تحت عنوان گزارش کمیسیون تاور منتشر کرد.

### مشکلات آمریکا در منطقه خاورمیانه

آنچه در این نوشتار از آن به عنوان مشکلات خاور میانه ای آمریکا در سال های میانی دهه ۸۰ یاد می شود، شامل مجموعه اتفاقاتی است که ایالات متحده آن را ناشی از انقلاب ایران دانسته و به همین دلیل تلاش می کند تا با نزدیک شدن به ایران، نقشی متعادل را به ایران باز گرداند. بنابراین ابتدا به نقش و اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی ایالات متحده اشاره می شود و سپس به مشکلات ایجاد شده بر سر این منافع نگاهی می اندازیم. پس از آن تلاش آمریکا برای حل این مشکلات از طریق برقراری ارتباط با ایران بررسی می شود.

### جایگاه و اهمیت منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

دلایل اهمیت خاورمیانه در سال های مورد نظر در دو مولفه سیاسی-استراتژیک و اقتصادی، قابل بررسی است.

#### اهمیت سیاسی- استراتژیک

به لحاظ سیاسی و استراتژیک مولفه هایی برای آمریکا واجد اهمیت بوده اند که عبارتند از:

#### ۱- مقابله با تهدیدات شوروی

یکی از اصلی ترین دلایل توجه ایالات متحده به این منطقه، مقابله با نفوذ و تهدیدات شوروی بود. ایجاد دولت های دست نشانده، کودتا یا تلاش برای نفوذ در دولت های منطقه از مواردی است که در جهت مقابله با نفوذ و تهدیدات شوروی در دوران جنگ سرد انجام شد. این امر با اعلام خروج نیروهای انگلیسی در سال ۱۳۴۷ تشدید شد و رقابت این دو قدرت گسترده تر گردید. برای مثال، جوزف سیسکو (Sisco) معاون وزیر خارجه آمریکا طی نطقی در برابر کمیته امور خارجی ضمن بیان علایق و اهمیت منطقه خاورمیانه برای آمریکا اظهار می دارد:

"آمریکا در این منطقه منافع بسیار دارد. این علایق شامل: ۱- حل مسایل موجود بین کشورهای منطقه از طریق مسالمت آمیز و تلاش جهت یافتن راهی هموارتر و بهتر برای ارتباط با این کشورها با یکدیگر، ۲- توسعه روابط مالی و تجاری آمریکا با کشورهای منطقه، ۳- حمایت از امنیت جمعی منطقه ای و کوشش برای تامین ثبات منطقه و تشویق و ترویج پیشرفتها بدون دخالت خارجی، ۴- دسترسی مداوم به ذخایر نفتی با قیمت های مناسب به منظور رفع احتیاجات روز افزون آمریکا و کشورهای دوست و متحد آن در اروپا"

(نخله، ۱۳۵۹: ۸۷).

این منافع و علائق تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همچنان ادامه داشت و پس از فروپاشی اتحاد شوروی تنها بخشی کوچک از این اهداف تغییر کرد.

## ۲- تامین امنیت اسرائیل

تامین امنیت اسرائیل از اهداف اصلی آمریکا در این منطقه به شمار رفته و آمریکا به اسرائیل به عنوان یک سرمایه استراتژیک و سوق الجیشی می نگرد. اگرچه پس از سال های ابتدایی جنگ جهانی دوم آمریکا سعی در حفظ مناسبات خود با جهان عرب داشت (احمدی، ۱۳۷۰) اما پس از اواخر دهه ۱۹۵۰ خود را به شدت درگیر حفظ امنیت اسرائیل کرد. از اواخر دهه ۱۹۵۰ دولت آمریکا به این نظریه استراتژیک گرایش پیدا کرد که یک اسرائیل نیرومند «سرمایه استراتژیک» و ارزشمند برای آمریکا به حساب می آید. در اسناد شورای امنیت ملی آمریکا آمده:

"از نتایج منطقی مخالفت با ناسیونالیسم عربی حمایت از اسرائیل است که تنها قدرت طرفدار غرب است که هنوز در خاورمیانه پابرجاست" (چامسکی، ۱۳۶۹، ص ۴۱).

## اهمیت اقتصادی

اهمیت اقتصادی این منطقه در ملاحظات مربوط به جریان نفت مورد توجه قرار می گیرد. موقعیت ویژه این منطقه که سرشار از منابع نفتی است، قدرتهای بزرگ خاصه آمریکا را بر آن داشته تا درصدد تامین امنیت این منطقه برآیند. برخی معتقدند تلاش آمریکا برای حل بحرانهای خاورمیانه مانند جنگ ایران و عراق، پیشنهاد راه حلهای مختلف برای حل بحران اعراب و اسرائیل و همچنین دخالت مستقیم در بحران بوجود آمده ناشی از حمله عراق به کویت را می توان در همین چارچوب تحلیل کرد (Delucci and Murphy, US Military Expenditures to Protect the Use of Persian Gulf Oil for Motor Vehicles, 1996).

## وقوع انقلاب اسلامی ایران و تاثیرات آن بر منطقه

شاید بتوان یکی از مهم ترین پیامد انقلاب ایران را احیای اسلام سیاسی و فرارفتن از اسلام سنتی (عدم دخالت روحانیت در امور سیاسی و حکومتی) دانست. اگر اسلام سنتی قائل به عدم دخالت در امور حکومتی و در یک جمله عدم تشکیل حکومت در دوران غیبت امام عصر (عج) بود، در این برداشت از اسلام نه تنها باید به تشکیل حکومت اسلامی اقدام ورزید بلکه باید سعی کرد تا دیگر حکومت های اسلامی منطقه نیز به این امر تشویق شوند. پیامد چنین رویکردی در سیاست خارجی در پروژه «صاور/انقلاب» تبلور یافت.

به اعتقاد ایالات متحده، متعاقب انقلاب ایران، گسترش اسلام‌گرایی و رویکرد اسلام انقلابی در منطقه، منافع آمریکا را در معرض خطر قرار داد. در اینجا تلاش می‌شود تا به مجموعه حوادث رخ داده، به عنوان مجموعه‌ای از مشکلاتی که منافع آمریکا در خاورمیانه را در آن مقطع زمانی تهدید می‌کرد، پرداخته و سپس به سنجش فرضیه یعنی برقراری ارتباط غیر رسمی آمریکا با ایران برای حل مشکلات خاور میانه ای پردازیم.

### گروگانگیری و هواپیمایی ربایی اتباع غربی

از جمله مواردی که در راس اقدامات عملی گروه‌های اسلام‌گرا قرار گرفت، گروگانگیری اتباع غربی در خاورمیانه بود. در این میان می‌توان به ربه‌شده شدن اتباع آمریکایی، ربه‌شده شدن هواپیمای TWA و ربه‌شده هواپیمای پان‌آمریکن ۷۳۷ اشاره کرد. آمریکایی‌ها ضمن آنکه این اقدامات را متأثر از ایران می‌دانستند تلاش داشتند تا این اقدامات را به حداقل برسانند.

### گسترش موج مبارزه با اسرائیل

پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، مبارزه با اسرائیل و همچنین تقویت گروه‌های مبارز علیه اسرائیل در راس برنامه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. تشکیل جمعیت حمایت از مردم فلسطین، دعوت از سران جنبش‌های اسلامی در تهران، شکل‌گیری حزب ا... لبنان (که در خط مقدم مبارزه با اسرائیل بود) و کمک به گروه‌های جهادی و نظامی از جمله مواردی بود که توسط جمهوری اسلامی ایران دنبال شد. برای مثال «جهاد اسلامی» علی‌رغم فشارهای اسرائیل فعالیت خود را گسترش داد (واعظی، ۱۳۷۹: ۶۴). سازماندهی بسیج عمومی برای آزادی قدس و حمایت ایران از تمامی عملیات‌های ضد اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی نشان‌دهنده نقش عظیم ایران بود (کدیور، ۱۳۷۲: ۲۲۰). از طرفی بیان‌جملاتی از قبیل «اسرائیل باید از صحنه جهان محو شود»، «قدس از آن ماست» حاکی از نگرش رهبری و دولت ایران در جهت نهادینه‌سازی مبارزه علیه اسرائیل بود. در این میان همچنین باید از حزب ا... لبنان به عنوان تنها گروهی که با تدارک و حمایت مستقیم تهران ایجاد شده و سهمی عمده در مبارزه علیه اسرائیل ایفا کرد، نام برد (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۴۵).

### حمله به پایگاه‌های نظامی غربی خاصه آمریکا

از جمله اقدامات صورت گرفته توسط گروه هایی که به زعم آمریکاییها از طرف ایران حمایت می شدند و یا اینکه متأثر از انقلاب ایران بودند، اقدام نظامی علیه نظامیان مستقر در کشورهای اسلامی منطقه بود.

در ۱۳۶۱/۸/۲۰ نوامبر ۱۹۸۲ نخستین عملیات شهادت طلبانه حزب ا... علیه مقرر فرماندهی ارتش اسرائیل در شهر صور توسط شهید احمد قصیر انجام شد و منجر به کشته شدن ۷۶ افسر و سرباز اسرائیلی شد (پیشین: ۲۳۰). حدود ۴ ماه بعد در ۱۸ آوریل ۱۹۸۳ ۱۳۶۲/۱/۲۹ سفارت آمریکا در بیروت غربی طی یک عملیات نظامی مورد حمله قرار گرفت و منجر به کشته شدن «رابرت آمیس» رئیس سابق نمایندگی سیا در لبنان، ۸ نفر از ماموران مخفی و سر فرماندهی جاسوس سیا در لبنان شد (همانجا). در همان سال و در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱ طی دو حمله شهادت طلبانه علیه مقرر تفنگداران و چتربازان فرانسوی در بیروت ۲۴۱ تفنگدار آمریکایی و ۵۸ چتر باز فرانسوی مجروح و یا کشته شدند (پیشین: ۲۳۲). این اقدامات آمریکایی ها را بر آن داشت تا نقطه اتکای این گروه ها را (که به زعم آنها ایران بود) را در متن رویارویی (اعم از نظامی و یا دیپلماتیک) قرار دهد.

### عدم اطمینان از امنیت صدور انرژی به غرب

اهمیت نفت برای دولت های صنعتی خصوصاً آمریکا، امری آشکار بود و در این مقطع زمانی به خطر افتادن صدور نفت به غرب یکی از مشکلات عمده غرب تلقی می شد. در این میان می توان به جنگ نفت کش ها و عملیات تلافی جویانه ایران، مطرح شدن بحث تحریم نفتی آمریکا و اسرائیل توسط امام خمینی (ره) و همچنین تهدید به بستن تنگه هرمز توسط مقامات ایران اشاره کرد که آمریکا را به پیدا کردن راه حلی برای برون رفتن از این بحران وادار می کرد.

### گسترش رادیکالیسم اسلامی و احیای اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه

عدم سازش با دو بلوک غرب و شرق و اجرای احکام اسلامی چه در بعد داخلی و اجتماعی و چه اقدامات فرامرزی از جمله مواردی است که می توان در چهارچوب احیای اسلام سیاسی به آن اشاره کرد (Hiro, 1987). برژینسکی از افراد تاثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا پدیده اسلام سیاسی و رادیکالیسم اسلامی ناشی از انقلاب ایران را این گونه بیان کرد: "موج بنیادگرایی اسلامی بیش از حد مغلوب کننده بود. تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران امام خمینی یک مخاطره مستمر برای

منافع ما در منطقه ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است ایجاد کرده است. بنیادگرایی اسلامی پدیده ای بود که بطور عمدۀ در گزارشها و بررسی های اطلاعاتی ما به آن بی توجهی شده بود. اما اینک باید گفت امروزه آشکارا نظم و ثبات موجود را تهدید می کند" (داوودی، بی تا: ۶۹).

وی همچنین با مطرح کردن «هلال بحران»، خطر سقوط دولت های طرفدار غرب را گوشزد کرد:

"هلالی از بحران سراسر کشورهای سواحل اقیانوس هند را در بر گرفته است. بحرانی که از خاور میانه و خلیج فارس آغاز می شود و خلیج فارس و سواحل اقیانوس هند را می پیماید. این کشورها با ساختار شکننده سیاسی و اجتماعی در منطقه ای که دارای اهمیت جهانی برای ایالات متحده هستند در معرض فروپاشی و هرج و مرج ناشی از این تحولات هستند. این وضع غرب را می تواند با یک بحران عظیم مواجه کند" (برژینسکی، ۱۳۶۲: ۱۹۱-۲).

موج اسلام گرایی حاصل از انقلاب ایران کم کم تمامی منطقه را فرا گرفته بود و دامنه ای از شورش و اخلال در امور حکومتی تا تأسیس احزاب مخالف در کشورهای منطقه را به همراه آورد که می توان به کشورهای عراق، (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۱۹۶) کویت (پیشین: ۲۳۲) و عربستان (رئیس طوسی، پیشین: ۲۹) به طور خاص اشاره کرد.

### جنگ ایران و عراق

جنگ ایران و عراق با تجاوز همه جانبه واحدهای نظامی عراق به ایران در شهریور ۱۳۵۹ آغاز گردید (درویشی، ۱۳۸۴: ۱۴۷). با رها شدن دولت از بحرانهای داخلی و آزاد سازی مناطق اشغال شده، جنگ در خاک عراق با اهداف تنبیه متجاوز، قبولاندن متجاوز بودن عراق و پرداخت غرامت دنبال گردید (اردستانی، ۱۳۸۴: ۲۶). عملیات رمضان (درویدیان، ۱۳۸۴: ۲۹)، خیبر (همان: ۸۷) و بدر\* (همان) سر آغاز ورود ایران به خاک عراق بود، هر چند که در این مرحله شاهد عملیات پراکنده از سوی طرفین می باشیم.\* اما مهم ترین عملیات ایران در بهمن ۱۳۶۴ در شبه جزیره فاو با نام والفجر ۸ با هدف قطع ارتباط عراق با کویت، گرفتن بندر استراتژیک فاو در چارچوب استراتژی «پیروزی بزرگ» صورت گرفت. (نداف، ۱۳۷۹) این استراتژی که بر تلاش ایران برای یک پیروزی بزرگ در خاک عراق و استفاده از این پیروزی به عنوان یک اهرم فشار برای مجاب نمودن عراق به پرداخت غرامت و پذیرش متجاوز بودن استوار بود، زمینه را برای

\* عملیات بدر با هدف دست اندازی و تسلط بر جاده بصره-العماره و نیز راهیابی به هور های غرب دجله که استانهای ناصریه، بصره و العماره را احاطه کرده بود و همچنین تسلط بر شرق دجله توأم با انهدام نیروهای انسانی دشمن در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۹ آغاز شد.

\* در این فاصله زمانی عملیات هایی چون قدس ۱ تا ۵ و عاشورای ۴ برگزار گردید.

دخالت بیش از پیش آمریکا و شوروی در جنگ مهیا ساخت (درودیان، ۱۳۸۴: ۲۳-۳۱) که می‌توان به ارسال تسلیحات مدرن، طراحی آموزه «دفاع متحرک» (همان: ۲۰) برای ارتش عراق و حمایت از عراق در مجامع بین‌المللی اشاره کرد.

در این میان از یک طرف بی‌ثباتی و به خطر افتادن منافع غرب مانند عدم اطمینان از صدور انرژی خلیج فارس (برآمده از جنگ نفت کش‌ها در این شاهراه بین‌المللی) نگرانی عمده برای آمریکایی‌ها ایجاد کرده و از طرف دیگر خطر توسعه دامنه جنگ به کشورهای منطقه نیز می‌رفت. از این رو، آمریکا تلاش خود را بر متوقف کردن جنگ و یا حداقل بدست گرفتن اداره آن معطوف ساخت. یکی از دلایل عمده آمریکا در برقراری ارتباط با ایران که در چارچوب حل مشکلات خاورمیانه‌ای این کشور می‌گنجد پایان مسالمت آمیز این جنگ بود.

### تلاش آمریکا برای برقراری ارتباط با ایران برای پایان دادن به این مشکلات

با توجه به موارد فوق، آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده بودند که می‌توان با نزدیکی به ایران این مشکلات را حل کنند. از این رو، این امر در برنامه شورای امنیت آمریکا قرار گرفت و ذیل عنوان "رهنمود تصمیم امنیت ملی" در سال ۱۹۸۳ در شورای امنیت ملی آمریکا طرح گردید. از مفاد این رهنمود می‌توان به مواردی که شامل ۲ دسته اهداف کوتاه مدت و بلند مدت بود اشاره کرد. اهداف کوتاه مدت عبارت بودند از:

۱- جلوگیری از تجزیه ایران و حفظ آن به عنوان یک سپر مستقل بین اتحاد جماهیر شوروی و خلیج فارس،

۲- حفظ و دسترسی به نفت خلیج فارس و عبور آن از تنگه هرمز،

۳- پایان دادن به حمایت ایرانی‌ها از تروریسم و پایان دادن به سیاست ایران در عدم ثبات کشورهای همسایه، (رئیس طوسی، پیشین: ۳۸).  
اهداف بلند مدت عبارت بودند از:

۱- بازگرداندن نقش سازنده و معتدلانه به ایران در جامعه سیاسی غیر کمونیستی در منطقه خلیج فارس و اقتصاد نفتی جهان؛

۲- ادامه مقاومت ایران در برابر توسعه طلبی کمونیستی (بخصوص در مورد افغانستان)؛

۳- پایان دادن سریع به جنگ ایران و عراق بدون میانجی‌گری شوروی یا تغییر در موازنه قدرت در منطقه؛

۴- حذف تخلف از حقوق بشر در ایران؛

۵- حرکت به سوی عادی سازی روابط ایران و آمریکا؛

۶- معتدل کردن مواضع ایران در سیاست گذاری های نفتی اوپک (همانجا).

همان طور که ملاحظه می شود اهداف کوتاه مدت و بلند مدت دقیقاً برای حل مشکلات خاورمیانه ای ایالات متحده طراحی شده بود که کلیدی بودن نقش ایران در آن مشهود است. به علاوه، در چارچوب این اهداف، اقداماتی مورد توجه قرار گرفت که عبارت بود از:

۱- تشویق متحدین غربی و دولت ها برای کمک و پاسخ دادن به نیازهای مهم ایران به منظور کاهش دادن به جذابیت کمک های پیشنهادی شوروی؛

۲- همکاری با سرویس های اطلاعاتی دولت های دوست برای افزایش توان مقابله با فعالیت های اطلاعاتی محرمانه شوروی در ایران؛

۳- افزایش تماس ها با متحدین و دوستان درباره شرایط ایران و آماده بودن برای برقراری ارتباط از طریق آنها؛

۴- برقرار کردن رابطه و فراهم کردن حمایت از رهبران ایران که از کوشش هایی که برای بهبودی رابطه ایران و آمریکا می شود حمایت می کنند؛

۵- پاسخ دادن به ایرانی هایی که از «تروریسم» حمایت می کنند با اقدامات نظامی علیه روبرناهای تروریستی (پیشین، ص ۳۹).

طراحان این برنامه بر آن بودند که روابط با گروه های میانه رو در ایران منجر به این خواهد شد که ایالات متحده بتواند منافع بلند مدت خود را در منطقه خاورمیانه پی گیری کند.

**پایان دادن به بحران گروگان گیری** برای آمریکایی ها اولویت اول تلقی می شد. آنها به این نتیجه رسیده بودند که نفوذ مسئولان ایرانی بر گروه های اسلامی که اقدام به گروگان گیری می کردند، می توانست راه گشای این معضل گردد. صدور تسلیحات مورد نیاز ایران در مقابل آزادی گروگان ها شاهدی بر این مدعاست. در این میان ریگان به عنوان رئیس جمهور تلاشی ویژه در جهت آزادسازی گروگان ها انجام داد. در همین ارتباط رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در خاورمیانه می گوید:

"هراس از این وجود داشت که آمریکا نتواند مشکلات قبلی خود را با ایران حل کند. زیرا ریگان نیز مانند کارتر میراث مشکلات آمریکا با ایران را به دوش می کشید. هر دوی آنها در مورد گروگان های آمریکایی و چگونگی کنترل ایران دچار بحران و مشکلات درون ساختاری گردیده بودند" (Tower and other, 1987: 261).

به همین دلیل بحث تسلیحات در برابر گروگان ها مطرح شد که بازگشت گروگان ها بدنبال ارسال دو محموله اسلحه به بندرعباس و تبریز این رفتار را تداوم بخشید (طیرانی، پیشین: ۳۱۶). بنا بر اظهارات دونالد ریگان، رئیس کارکنان کاخ سفید، رئیس جمهور آمریکا مایل بود که ابتکار تحویل اسلحه در برابر گروگان ها ادامه یابد:

نه تنها بنا به دلایل ژئوپلتیک، بلکه همچنین بخاطر این حقیقت که ما برای رهایی گروگان‌ها هنوز دستمان به جایی نرسیده بود. ما باز کریسمسی دیگر را می گذرانندیم در حالی که گروگان‌ها همچنان آنجا بودند و ریاست جمهوری برای آنکه نتوانسته بود برای رهایی آنها کاری انجام دهد بی لیاقت به نظر می‌رسید (Tower and other, 1987: 201).

این جملات نشان می دهد که آزاد سازی گروگان‌ها چقدر برای تیم ریگان حائز اهمیت بود.

در بعد دیگر، متوقف ساختن روند مبارزه با اسرائیل و کاهش موضع گیری های خصمانه علیه موجودیت اسرائیل مطرح بود که در سال های مورد نظر شدت یافته بود. از یک طرف اهمیت و نقش اسرائیل برای ایالات متحده آن کشور را ملزم به تغییر این رفتار می کرد و از طرف دیگر خود اسرائیلی ها در این زمینه تلاش زیادی انجام دادند. ارسال موشک‌های تاور در میان محموله ها به ایران، ارتباط نزدیک دلالات اسلحه خصوصاً منوچهر قربانی فر و همچنین افرادی چون دیوید کیمچه و آدولف شوایمر حکایت از تلاش آمریکا و اسرائیل برای برقراری ارتباط با ایران و کاهش مبارزات علیه اسرائیل داشت (بیل، ۱۳۷۱: ۴۲۰).

مورد دیگر که در اهداف ایالات متحده قرار داشت **مقابله با موج اسلام‌گرایی** حاصل از انقلاب ایران و مقابله با رادیکالیسم اسلامی حاصل از اقدامات ایران بود. بدین منظور دولت آمریکا باید راه نزدیک با ایران را می پیمود تا با نزدیکی به ایران، نقشی معتدل‌تر در منطقه را به ایران می داد. از موارد لازم در این راه، تقویت اطلاعات موجود در باره ایران بود. ضعف اطلاعات در باره ایران، دولت آمریکا را از تهیه یک برنامه عملی در مورد ایران باز می داشت. بواقع پس از انقلاب تمام سیستم‌های استراق سمع و جمع آوری اطلاعات اعم از داخل ایران و چه در کشورهای منطقه و شوروی از بین رفته بود و این امر آمریکا را از ارائه تحلیل صحیح و تدوین برنامه درست در قبال ایران محروم ساخته بود. در گزارشهای منتشر شده توسط مامورین سیا در خاور میانه این نکته مورد توجه قرار گرفته است که نه اطلاعات دقیق از اوضاع ایران وجود دارد و نه توان اعمال نفوذ بعد از فوت آیت ... خمینی (ره) برای ایالات متحده میسر است (گازبروفسکی، پیشین: ۱۸۵). فقدان اطلاعات کافی در خصوص ایران را می توان از نامه اردیبهشت ۱۳۶۴ مه ۱۹۸۵ گراهام فولر از افسران عالی رتبه اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در خاور میانه استنباط کرد. وی در این نامه آورده:

"ایران در معرض خطر تجزیه قرار دارد، موقعیت آیت ... خمینی متزلزل شده است و شوروی ها موضع گرفته اند تا اگر درگیری و آشوبی به میان آمد از آن منتفع شوند. در این میان ایالات متحده هیچ اطلاعات کامل و ارزیابی دقیق از اوضاع ایران پس فوت آیت ... خمینی ندارد (Tower and other, 1987: 112).

این گزارش مورد استفاده هوارد تیچر (از همراهان سفر مک مارلین به تهران) رئیس دایره ایران در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) قرار گرفت. وی اعتقاد داشت که آمریکا باید بر اساس نیازها و ضرورت‌های محیطی، روابطش را با ایران توسعه دهد. به نظر وی این شرایط سبب می‌شد تا در وضعیت موجود ابتکاراتی برای تماس بیشتر با عناصر میانه رو در داخل نظام سیاسی ایران برقرار گردد.

برای نیل به این امر باید سیاستی اتخاذ شود تا در راستای آن قدرت برخی از مجموعه‌های میانه رو در مقایسه با گروه‌های افراطی تقویت گردد (بیل، همان: ۱۷۲). وی بر آن بود که تلاش برای برقراری تماس با ایران سبب می‌شود تا مواضع و تلاش‌های منطقه‌ای ایران به مواضع نرم تری تبدیل شود و اجرای سیاست‌های انقلابی ایران در منطقه کاهش یابد. وی بر این اعتقاد بود که در فهرست منافع آمریکا مواردی از جمله پایان دادن حمایت ایران از «تروریسم» و همچنین خاتمه بخشیدن به روند «بی‌ثبات‌سازی» کشورهای منطقه در اولویت قرار داد (The Chronology, Scott 1987. Documented).

مورد دیگر **پایان دادن جنگ ایران و عراق** بود که از نظر آمریکا این جنگ ثبات منطقه را به مخاطره افکنده بود. این امر را می‌توان در نطق ۶۵/۸/۲۲ ریگان که به مسئله افشای ماجرای ارتباط غیررسمی با ایران اختصاص داشت ملاحظه کرد:

"ما بدون همکاری با ایران قادر به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس نبوده ایم و بدون رضایت ایران امکان برقراری یک صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد. این کشور بین شوری و آبهای گرم اقیانوس هند است. منابع نفتی ایران برای ما اهمیت دارد و به نفع ماست تا در پی تحولاتی در داخل ایران باشیم که ممکن است امیدهایی را از یک رابطه بهبود یافته مطرح سازد."

وی همچنین درباره اهمیت منافع آمریکا در برقراری ارتباط با ایران این گونه می‌گوید:  
"اجازه دهید تکرار کنم منافع ما به طور روشنی از طریق باز کردن باب مذاکرات با ایران است و بدین ترتیب کمک به خاتمه جنگ ایران و عراق تامین می‌گردد. این حرکت تغییر موضع آمریکا در منطقه نیست بلکه یک ابتکار سیاسی برای دستیابی به درجه‌ای از نفوذ و راه یابی در ایران و عراق و خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق بود" (مرکز تحقیقات جنگ: ۹۹۰).

بنابراین، مشاهده می‌شود که چگونه ایالات متحده قصد داشت مشکلات موجود در خاورمیانه را از طریق برقراری ارتباط با ایران حل کند. اگر چه این اقدام ایالات متحده با افشا شدن آن توسط گروه‌های داخلی مخالف و یا به تعبیری گروه‌هایی که از این اقدام در مراحل بعد به کناری گذارده شدند، تقریباً متوقف شد و زمینه را برای مقابله و رویارویی آمریکا با ایران برای کسب مجدد وجهه

از بین رفته خود در منطقه فراهم کرد اما اصل این اقدام (برقراری ارتباط با ایران) موضوعی بود که در خور توجه است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.

### نتیجه

آنچه در این نوشتار بررسی شد، دلیل برقراری رابطه غیررسمی ایالات متحده با ایران در اوج منازعات دیپلماتیک بود. حل مشکلات خاورمیانه ای آمریکا دلیلی برای نزدیکی آمریکا به ایران قلمداد گردید. در این نوشتار ضمن مروری بر رابطه بسیار خوب دو کشور قبل از انقلاب و همچنین شکل گیری رابطه تقابلی گونه بعد از انقلاب، رابطه غیر رسمی بر اساس اسناد منتشر شده مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه بحث ضمن توضیح اهمیت (استراتژیک و اقتصادی) خاورمیانه برای ایالات متحده به مجموعه مشکلات این کشور در این منطقه در دهه ۱۹۸۰، اشاره و پس از آن از محوریت نقش ایران در این مشکلات و حل آنها بدست ایران سخن گفته شد.

بیان شد که مشکلات ایالات متحده در منطقه شامل گسترش موج مبارزه با اسرائیل، گروگانگیری و هواپیمایی ربایی اتباع غربی، حمله به پایگاه‌های نظامی غربی خاصه آمریکا، عدم اطمینان از امنیت صدور انرژی به غرب، گسترش رادیکالیسم اسلامی و احیای اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه و جنگ ایران و عراق بود که ایالات متحده کوشید از طریق مجموعه راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت این موارد را حل فصل کند.

### منابع و مأخذ:

#### الف. فارسی

- ۱- آبراهامیان پرواند (۱۳۸۶). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ دوازدهم، تهران: نشر مرکز.
- ۲- اردستانی حسین، (۱۳۸۴). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، جلد سوم، تنبیه متجاوز، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات، چاپ دوم.
- ۳- ازغندی، علی رضا، (۱۳۸۲). تاریخ روابط خارجی ایران، دولت دست نشاندگان ۵۷-۱۳۳۲، تهران: نشر قومس چاپ سوم.
- ۴- اسداللهی، مسعود، (۱۳۷۹). از مقاومت تا پیروزی، تاریخچه حزب ا... لبنان ۱۳۶۱-۱۳۷۹، تهران: اندیشه سازان نور.
- ۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲). جنبش حزب ا... لبنان؛ گذشته و حال، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- برژینسکی، زبگنیو، ۱۳۶۲، خاطرات. ترجمه منوچهر یزدانبار. تهران: انتشارات کاوش.
- ۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۲). اسرار سقوط شاه و گروگانگیری، ترجمه حمید احمدی تهران: نراقی.
- ۸- بیل، جیمز، (۱۳۷۱)، شیر و عقاب روابط نافرجام ایران و آمریکا. ترجمه فروزنده برلیان. تهران: نشر فاخته.
- ۹- چامسکی، نوام، (۱۳۷۲). دمکراسی بازدارنده. ترجمه مهوش غلامی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۹). مثلث سرنوشت، آمریکا، اسرائیل و فلسطینی‌ها، ترجمه هرمز همایون پور. تهران: نشر آگه.
- ۱۱- داوودی، محسن، (بی تا). ستیز غرب با آنچه بنیادگرایی اسلامی می نامد، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- ۱۲- درودیان، محمد و بهالدین شیخ الاسلامی (۱۳۷۲). از خرمشهر تا فاو. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۳- درودیان، محمد، (۱۳۷۱). آغاز تا پایان جنگ سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: دروه عالی جنگ.

- ۱۴- درویشی، فرهاد و گروه نویسندگان، (۱۳۸۴). ریشه های تهاجم، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، چاپ سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات.
- ۱۵- دکمچیان، هرایر، (۱۳۶۶). جشنهای اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
- ۱۶- طیرانی، بهروز (۱۳۷۹). روزشمار روابط ایران و آمریکا ۱۹۹۹-۱۸۳۲. تهران: مرکز اسناد و تاریخ و دیپلماسی.
- ۱۷- گازیروفسکی، مارک، (۱۳۷۹). نه شرقی - نه غربی. ترجمه ابراهیم متقی و الهه کولایی. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۸- فوران، جان، (۱۳۸۳). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه رسا.
- ۱۹- کدیور، جمیله، (۱۳۷۴). رویاروی انقلاب ایران و آمریکا. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۰- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۷۵). هجوم سراسری و پیگیری های عراق.
- ۲۱- --- (۱۳۷۳). هویزه، آخرین گامهای اشغالگران. تهران: مرکز مطالعات تحقیقات جنگ.
- ۲۲- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۰). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷، چاپ پنجم، تهران: نشر نیکان.
- ۲۳- نخله، امیل، (۱۳۵۹). روابط آمریکا و اعراب در خلیج فارس، ترجمه کارو، تهران: سروش.
- ۲۴- نداف، محمد، (۱۳۷۹). نبرد فاو، چاپ پنجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات.
- ۲۵- واعظی، حسن، نبرد (۱۳۷۹). نایر ایبر: روند ظهور و سقوط رژیم صهیونیستی، تهران: سروش.

### ب. مقالات و روزنامه‌ها

- ۱- رئیس طوسی، رضا "استراتژی آمریکا تضعیف توان ملی ایران"، فصل نامه ایران فردا، سال سوم شماره ۱۶. روزنامه های کیهان و اطلاعات شماره های مختلف.

### ج. خارجی:

- 1- Armstrong Scott, (1987), I., eds, **The Chronology: The Documented Day- by-Day Account of the Secret Military Assistance to Iran and the Contras**. New York: Warner Books.
- 2- Cordesman, Anthony. (1984), **The [Persian] Gulf and Search for Strategic Stability**. New York: West View Press.
- 3- Delucchi Mark A and James Murphy "US Military Expenditures to Protect the Use of Persian Gulf Oil for Motor Vehicles: The Annualized Social Cost of Motor Vehicle Use in the United States" (University of California, April 1996), <<http://www.its.ucdavis.edu/publications/2004>>.
- 4- Hiro, Pilip. (1987), **The Longest War, Military Conflict between Iran and Iraq**. New York: Macmilan.
- 5- Tower, John, (1987), Edmond Muskie and Brent Scowcroft, **Tower Commission Report**. New York: Bantam Book/Times Book.

### د. اینترنتی:

- 1- Michael Rubin and Suzanne Gershowitz, "How to Deal with Kidnapping in Iraq", December 2005, available at: <<http://www.meforum.org/article/793>>.
- 2- "Report of the Presidents Special Review, the Arm's transfer to Iran", available at: [http://www.personal.umich.edu/472 not 15/htm](http://www.personal.umich.edu/472%20not%2015/htm).
- 3- Randy B. Bell, "Expansion of U.S. In Persian Gulf By Three President" <http://www.globalsecurity.org/Military/Library/Report/1990/BRB.htm>.
- 4- Timmerman, Kenneth. R. **Fanning the Flames: Guns, Greed and Geopolitics in the [Persian] Gulf War** <<http://en.wikipedia.org/Krf/Fanning-Ch7.htm>>.